



# کودکان خود رو!

\* ذخائر ملی

\* روش غیر مستقیم

\* پدر و مادر گناہکار

ذخائر ملی

دانشمندان علم الاجتماع ، پیشرفت هر کشور را وابسته عوامل متعددی میدانند ، میگویند : رشد فرهنگی ، بهداشت عمومی ، و تکامل صنعتی ، و ... باید دست بیکدیگر بدهند ؛ تا کشوری در شاهراه ترقی قرار گیرد . داشتن منابع حیاتی ، مثل نفت ، و سایر معادن را هم ، از عوامل مؤثر میدانند . روی همین اصل کشورهای مترقی بهمان اندازه که در پیش-برد اصول صنعتی ، سعی هستند ، بموازات آن می کوشند ؛ که از ذخائر خداداد ، کاملتر و بهتر بهره مند گردند ، و برای رسیدن بچنین هدفی از شکافتن قراقیای نوسها ؛ و دل کوهها ؛ خودداری نمی نمایند . بدون تردید یکی از ذخائر پر ارزش هر کشوری طبقه جوان است ، جوانان در پیشرفت و انحطاط کشور ؛ نقش مؤثری را بازی می کنند ، کشورهای متمدن ، سعی مینمایند ؛ در این قسمت هم ، از اساسی ترین مسائل تربیتی ، استفاده کنند تا بهتر از نبروهای خلاقه جوان . بهره ور گردند ؛ در چنین محیطهایی ، ارزش تربیت بخوبی برآورد شده ، و همه میدانند ، که جامعه از خانواده های زیادی تشکیل یافته است ، و اداره کنندگان اجتماع فردا ؛ از میان افراد همین خانواده ها ، باید انتخاب گردند

مطالعه عمیق ، و بررسی کامل ، این واقعیت را آشکار میسازد ؛ که پایه و اساس هر کشوری ، بر روی ابتکار طبقه جوان نهاده شده است . رشد جسمی و روحی جوان ، هر قدر کاملتر باشد بهمان

نسبت مقدمات پیشرفت کشور؛ فراهم شده است. انحطاط و سقوط طبقه جوان، از هر بحرانی دشوارتر است، چه زیان‌های اقتصادی و عقب‌ماندگی‌ها را بزودی میتوان تدارک کرد ولی شکست روحی طبقه جوان، باین زودی‌ها جبران پذیر نیست؛ باید سالیان درازی محرومیت کشید و خون جگر خورد، تا بتوان قسمتی از آن را ترمیم کرد، زیرا هنگامیکه بهداشت معنوی بطور کامل انجام نگردد، جبران فرصتهای ازدست رفته نیازمند مجاهدات دشواری میباشد.

یکی از مشکلاتی که اجتماع ما دچار آن میباشد؛ موضوع انحراف، دست‌و‌پاچه طبقه جوان است عوامل گوناگونی دست‌بیکدیگر داده؛ سعادت نسل جوان را تهدید می‌کند. در نتیجه آینده این کشور را؛ دخیم‌تر و ناریک‌تر مینماید. یکی از عوامل گمراهی جوانان، جهل و نادانی برخی از خانواده‌ها؛ و عیاشی و شهوترانی عده دیگری از خانواده‌ها میباشد؛ در نتیجه دقت و اهمیتی که باید در مسئله اساسی تربیت و پرورش کودکان و جوانان رعایت گردد؛ عملی نمی‌گردد؛ کودکان اجتماع ما؛ بدون برخورداری از راهنمایی‌های سودمند؛ بطور خودرو باره می‌آیند، تکامل جسمی آنان؛ بارشد روحی توأم نمیشود؛ لذا باسانی میتوان پی‌برد؛ که کودکان این آب و خاک دچار بیماریهای جسمی و روانی میشوند؛ در اثر همین مسامحه و سهل انگاریها؛ بزرگترین عامل پیشرفت یعنی نیروهای پر ارزش جوانان را برایگان از دست میدهم.

دروزرگار علم و دانش، در عصری که توسعه و پیشرفت مسائل پرورشی، آنچنان گسترش یافته، که دانشمندان آموزش و پرورش را واداشته که اصول پرورش را؛ درباره حیوانات و نباتات نیز توسعه دهند؛ تا نتایج بیشتری عایدشان گردد، در کشور ما؛ کمترین توجهی؛ به تربیت جوانان نمیشود، ایکاش بهمین اکتفا نمیشد؛ بلکه هر لحظه عوامل انحراف و وطنیان نسل جوان، در حال گسترش است.

دائر جهل و نادانی، برخی از پدران و مادران؛ چنین گمان می‌کنند؛ که موضوع تربیت کودک، از سن هفت سالگی در محیط دبستان آغاز میگردد؛ و حال آنکه اساسی‌ترین مرحله تربیت کودک، در محیط خانه، توسط پدر و مادر انجام می‌گیرد؛ علی‌علیه السلام در بیش از هزار و سیصد سال پیش پدر و مادرها را مترجمه وظیفه خطیرشان کرده؛ فرمود که؛ تربیت کودک بعهدہ آنان میباشد؛ و این حق مشروعی است؛ که فرزند از والدین خود، میتواند مطالبه کند.

## «و حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمه ویحسن ادبه ویعلمه القرآن» .

### روش غیر مستقیم:

یکی از مؤثرترین روش‌های تربیتی؛ در علم آموزش و پرورش؛ بکار بردن روش غیر مستقیم است، در این نوع تربیت؛ بدون اینکه شخص در صدد تعلیم اصول اخلاقی باشد؛ و بدون اینکه کودک خود متوجه باشد، با بکار بردن روش‌های سودمند عملی؛ و آشنائی با آنها تربیت، می‌گردد، نقش اساسی در این نوع تربیت؛ در گرو عملیات خارجی است، کودک در مرحله اول؛ با آنها آشنائی، میدامی کند و سپس با انجام آن می‌پردازد؛ پدران و مادران، بدون اینکه خود متوجه داشته باشند، فرزندان خود را باروش غیر مستقیم تربیت می‌کنند آنچه را که کودک باید یاد بگیرد؛ کم‌کم آشناسده؛ در روح کودک اثر می‌گذارد.

پدری که در محیط خانه به دروغ، فحاشی، کتک کاری؛ قمار بازی؛ می‌گساری، اعتماد دارد؛ دانسته و ندانسته همه اینها را بکودک خود تحمیل میکند؛ کودک چون فاقد رشد عقلانی است؛ نیروی اقتباس و تقلید؛ در او بسیار قوی است؛ هر چه را که در منزل ببیند؛ بدون بررسی و تأمل آن را می‌پذیرد؛ در نتیجه پس از زمانی فرزند؛ براهی می‌رود که والدین او آن راه را عملاً پیش‌پیش‌گذارده بودند.

### پدر و مادر گناهکار:

در خانواده‌های متوسط و مستمند در اثر فقدان رشد معنوی؛ و گرفتاریهای اقتصادی؛ و خستگی، مجالتی برای تربیت کودک باقی نمی‌ماند او مانند گیاه خودرو رشد می‌کند، بمیل و رضای خود در اجتماع فاسد و آلوده؛ از بی بند و باری برخوردار می‌گردد؛ هر چه بخواهد انجام میدهد، و همچنان راه خود را ادامه می‌دهد؛ دقت و فکر نمی‌کند، چون همه رفتار خود را می‌پسندد؛ فقط موقعی بیدار می‌شود که فرصت از دست رفته است، و آن هنگامی است؛ که دچار بیماریهای خطرناک روحی و جسمی شده و یا در پشت میله‌های زندان جا گرفته است؛ در چنین لحظاتی جوان پی‌می‌برد، که تربیت و راهنمایی یعنی چه؟ و ضمناً می‌فهمد که والدین او چه مردم جنایت کاری بوده‌اند که فرزند خود را بدون راهنمایی و مراقبت، تسلیم محیط آلوده و لجن‌زاری کرده‌اند.

امکانات تعلیم و تربیت؛ در خانواده‌های ثروتمند؛ کاملتر وجود دارد، اقتصاد کامل، رشد فکری، آشنائی با اصول تربیتی، در چنین خانواده‌هایی؛ فرصتهایی را برای پرورش کودک؛ بوجود می‌آورد و ای متأسفانه انحراف پدر و مادرها؛ آلودگی بمفاسد تمدن غربی

و شب‌نشینی‌ها ، و تفریحات شبانه ، علاوه بر اینکه این امکانات را از بین برده ، مشکلات گوناگونی را بوجود آورده است .

در چنین خانواده‌هایی کودک دوران شیرخوارگی را بکمکه دایه می گذرانند ؛ و چون کمی برشد می رسد ، در هنگامی که صد درصد نیازمند راهنمایی های سودمند والدین خود است ، تنها و غریب گرفتار کنج خانه شده ، تربیت او توسط کلفت و نوکر انجام می یابد ؛ هنگامی که کودک معصوم از فراق پدر و مادر بگریه می افتد کلفت و نوکر گاه با خشونت و سردی ؛ او را آرام می کنند ، و گاه با گفتن داستان های ترسناک و وحشتناک او را بخواب می برند ، کودک معصوم در همان موقعی که پدر و مادرش سر مست تفریحات شبانه هستند ؛ در میان هاله ای از غم و غصه بخواب می رود در خواب هم گرفتار مناظر ترسناک داستانهای دروغی شده ، از خواب می پرد ؛ و از وحشت و تنهایی باز بخواب پناه می برد ، در نتیجه کودک از همان اول دچار بیمه‌اری های روحی و جسمی می گردد ؛ صفاتی مانند ترس ؛ کم روئی ، «خود کم بینی» و خود - باختگی در او پیدا می شود .

### نتیجه دنیا پرستی

امیر مؤمنان علی علیه السلام میفرماید : لا یترك الناس شیئاً من امر دینهم لاستصلاح دنیا هم الا فتح الله علیهم ماهوا ضمرنه ، یعنی: هر گاه مردم برای اصلاح و پیشرفت دنیا و امور مادی خود چیزی از وظائف دینی و معنوی خود را زیر پا بگذارند خداوند برای آنها حوادثی پیش می آورد که ضرر آن بمراتب بیشتر از آن منفعتی است که در نظر داشتند ، . (نهج البلاغه)